Пролетарии всех стран, соединяйтесь!

БУРЯТ-МОНГОЛУН

УНЭН.

Орган ЦИК'а Буррспублики и Буробкома ВКП (б.).

Газета выходит 2 раза в неделю

№ 13 (300)

ГОД ИЗДАНИЯ VI.

Пятница 22 Февраля 1929 года.

Адрес редакции г. Верхнеудинск Объединенное Газетное Издательство.

Бурят-Монголун Унэн

Пролетарии бүхэн ертэ нэгдэгтэн!

Бурят-Монголун Автономнэ Сэсэг Засагай Республикэ дотор Коммунистическэ Партиин Центральнэ Комитетэй, Бурят-Монголун Областнэ Комитетэй, Бурят-Монголун Областнэ Исполнительнэ Комитетэй органнуудтаа

Нэгдэсхэлэй Бурят-Монгол Ардай Республикэнэй Центральнэ Исполнительнэ Комитетэй, Бурят-Монголун Областнэ Исполнительнэ Комитетэй, Бурят-Монголун Областнэ Профсоюзнуудай Совет

حقیقت پیدا کردن از حافظه است

(مقاله از عبدالحمید رضوانی)

مهندس رضوانی ۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ در شهر سنگسار به دنیا آمد. پدرش کفاش بود و مادرش خانه‌دار. تا کلاس ششم در همان شهر درس خواند و سپس برای ادامه تحصیل به قزوین رفت. در دبیرستان شاپور شاگرد ممتاز بود و در المپیاد ریاضی استان رتبه آورد. در سال ۱۳۶۰ وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد را در همان دانشگاه گرفت. پایان‌نامه کارشناسی ارشدش درباره پایداری سازه‌های بلند در برابر زلزله بود و استاد راهنمایش دکتر فرهاد نیک‌پی بود. رضوانی از سال ۱۳۷۰ در شرکت «پایدار سازه» مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۸۰ در طراحی سازه‌های بیش از ۴۰ ساختمان بلند در تهران و شهرهای دیگر شرکت داشت. از جمله آن ساختمان‌ها می‌توان به برج آرمان در سعادت‌آباد و مجتمع تجاری پارسیان در ولیعصر اشاره کرد. در همین دوره چند مقاله در مجله «سازه و زلزله» منتشر کرد که بعدها مبنای کتاب او شد. در سال ۱۳۸۰ همراه با دو تن از همکارانش شرکت «پایدار سازه» را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۹۰ مدیرعامل آن بود. در این سال به دلیل اختلاف در سیاست‌های شرکت از آن جدا شد و مشاور مستقل شد. آخرین طرح اجرایی او برج نگین در کرج است که هنوز در حال ساخت است.

مدیریت بحران در ساختمان‌های بلند

مهندس رضوانی معتقد است که طراحی سازه‌ها باید فقط برای بار ثقلی و باد کافی نباشد. او می‌گوید در زلزله‌های اخیر جهان، بسیاری از ساختمان‌های مدرن به دلیل نداشتن مسیر مشخص برای تخلیه انرژی، دچار آسیب‌های جدی شده‌اند. به نظر او، مهندس سازه باید از همان روز اول با معمار و مهندس برق همکاری کند تا مسیرهای تخلیه انرژی در نقشه‌ها دیده شود. او پیشنهاد می‌کند که هر ساختمان بلند باید یک «نقشه بحران» جداگانه داشته باشد که مسیرهای خروج، پله‌های اضطراری و نقاط تجمع در آن مشخص شده باشد.

آموزش مهندسی در دانشگاه‌های استان

رضوانی معتقد است که بسیاری از فارغ‌التحصیلان مهندسی عمران با محاسبه تیر و ستون مشکل دارند و این ضعف ریشه در کمبود کارگاه‌های عملی دارد. او پیشنهاد می‌کند که هر دانشکده مهندسی باید حداقل یک آزمایشگاه مجهز به میز لرزاننده داشته باشد. هزینه این آزمایشگاه‌ها برای دانشگاه‌های استان حدود ۱۲۰ میلیارد تومان برآورد شده است. او می‌گوید اگر این مبلغ در پنج سال پخش شود، هیچ دانشگاهی فشار زیادی احساس نمی‌کند.

زنان در مهندسی سازه

رضوانی از معدود مهندسان زن در حوزه سازه است. او می‌گوید در دانشگاه تعداد دانشجویان دختر در رشته عمران حدود ۳۰ درصد است اما در کارگاه‌های عملی این رقم به ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. او پیشنهاد می‌کند که خوابگاه‌های دانشجویی دختران نزدیک آزمایشگاه‌ها ساخته شود تا رفت‌وآمد برای دانشجویان آسان‌تر شود. او همچنین از بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان دختر در رشته‌های فنی حمایت می‌کند.

آینده شهرهای مقاوم

رضوانی معتقد است که آینده شهرها به سمت سازه‌های هوشمند حرکت می‌کند که می‌توانند ترک‌های کوچک را خود ترمیم کنند. او از پروژه‌های آزمایشی در ژاپن و کره جنوبی نام برد که در آن بتن حاوی باکتری برای ترمیم ترک‌ها استفاده می‌شود. او می‌گوید این فناوری تا ۱۰ سال دیگر وارد بازار می‌شود و هزینه آن فعلاً ۳ برابر بتن معمولی است.

نقش مهندس در بازسازی

رضوانی معتقد است که مهندس سازه باید در فرایند بازسازی شهرهای آسیب‌دیده از زلزله حضور داشته باشد و نه فقط در مرحله طراحی. او پیشنهاد می‌کند که یک «دفتر مشاوره سازه» در هر شهرداری تأسیس شود تا شهروندان بتوانند سؤال‌های خود را مطرح کنند. او می‌گوید این دفتر می‌تواند از فساد در صدور پروانه‌ها نیز جلوگیری کند.

جمع‌بندی

رضوانی در پایان گفت که مهندسی سازه کار تیمی است و هیچ مهندسی به تنهایی نمی‌تواند ساختمان ایمن بسازد. او از دانشجویان خواست که به کتاب‌های قدیمی مهندسی سازه ایران مراجعه کنند و از تجربه‌های گذشته درس بگیرند. او گفت که کتاب او به زودی چاپ می‌شود و امیدوار است که مورد استفاده قرار گیرد.

مدیریت بحران در ساختمان‌های بلند

مهندس رضوانی ۱۲ مهر ۱۴۰۳ در همایش ملی مدیریت بحران در شهرهای ساحلی سخنرانی کرد. او گفت که بسیاری از ساختمان‌های بلند در شهرهای ساحلی با استاندارد زلزله طراحی شده‌اند اما هیچ برنامه‌ای برای تخلیه ساکنان در شرایط بحران وجود ندارد. او پیشنهاد کرد که هر ساختمان بلند باید یک «نقشه بحران» جداگانه داشته باشد که مسیرهای خروج، پله‌های اضطراری و نقاط تجمع در آن مشخص شده باشد.

آموزش مهندسی در دانشگاه‌های استان

رضوانی گفت که بسیاری از فارغ‌التحصیلان مهندسی عمران با محاسبه تیر و ستون مشکل دارند و این ضعف ریشه در کمبود کارگاه‌های عملی دارد. او پیشنهاد کرد که هر دانشکده مهندسی باید حداقل یک آزمایشگاه مجهز به میز لرزاننده داشته باشد. او گفت که هزینه این آزمایشگاه‌ها برای دانشگاه‌های استان حدود ۱۲۰ میلیارد تومان برآورد شده است. او گفت اگر این مبلغ در پنج سال پخش شود، هیچ دانشگاهی فشار زیادی احساس نمی‌کند.

زنان در مهندسی سازه

رضوانی از معدود مهندسان زن در حوزه سازه است. او گفت که در دانشگاه تعداد دانشجویان دختر در رشته عمران حدود ۳۰ درصد است اما در کارگاه‌های عملی این رقم به ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. او پیشنهاد کرد که خوابگاه‌های دانشجویی دختران نزدیک آزمایشگاه‌ها ساخته شود تا رفت‌وآمد برای دانشجویان آسان‌تر شود. او همچنین از بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان دختر در رشته‌های فنی حمایت می‌کند.

آینده شهرهای مقاوم

رضوانی گفت که آینده شهرها به سمت سازه‌های هوشمند حرکت می‌کند که می‌توانند ترک‌های کوچک را خود ترمیم کنند. او از پروژه‌های آزمایشی در ژاپن و کره جنوبی نام برد که در آن بتن حاوی باکتری برای ترمیم ترک‌ها استفاده می‌شود. او می‌گوید این فناوری تا ۱۰ سال دیگر وارد بازار می‌شود و هزینه آن فعلاً ۳ برابر بتن معمولی است.

نقش مهندس در بازسازی

رضوانی معتقد است که مهندس سازه باید در فرایند بازسازی شهرهای آسیب‌دیده از زلزله حضور داشته باشد و نه فقط در مرحله طراحی. او پیشنهاد می‌کند که هر شهرداری یک «دفتر مشاوره سازه» تأسیس کند تا شهروندان بتوانند سؤال‌های خود را مطرح کنند. او می‌گوید این دفتر می‌تواند از فساد در صدور پروانه‌ها نیز جلوگیری کند.

جمع‌بندی

رضوانی در پایان گفت که مهندسی سازه کار تیمی است و هیچ مهندسی به تنهایی نمی‌تواند ساختمان ایمن بسازد

مسافرت تفریحی و تعلیمی از نظر تربیت

(نوشتهٔ آقای مهندس فرهاد نیک‌سرشت) — «مسافرت تفریحی و تعلیمی از نظر تربیت» عنوان مقاله‌ای است که در شمارهٔ ۵۷۵ مجلهٔ ریگزار چاپ شده و نویسنده در آن میان سفر برای تفریح و سفر برای آموزش تفاوت می‌گذارد. به گفتهٔ او سفر تفریحی بیشتر به کاهش خستگی و تغییر محیط می‌انجامد، اما سفر تعلیمی اگر درست برنامه‌ریزی شود، دانش‌آموز را با زمین‌شناسی، تاریخ محلی و زندگی مردم آشنا می‌کند. نویسنده پیشنهاد می‌کند که هر مدرسه دست‌کم یک سفر یک‌روزه در سال تحصیلی برای کلاس‌های بالاتر برنامه‌ریزی کند و هزینهٔ آن را از پیش در بودجه‌ها جا بدهد.

نامه‌های رسیده

سردبیر محترم ریگزار، من دانش‌آموز کلاس نهم هستم و هر بار که از کویر می‌گذریم پدرم برایم از روزهای جوانی‌اش در آن منطقه تعریف می‌کند. اگر شما هم چنین داستان‌هایی دارید، خواهش می‌کنم بنویسید. شاید چند نفر دیگر هم همین حس را داشته باشند. با احترام، فرهاد نیک‌سرشت، ده‌بالا

سردبیر، در شماره‌ی پیش نوشته‌ی خانم ر. صدر دربارهٔ کوچ ایلات را خواندم و بسیار لذت بردم. اگر ممکن است دربارهٔ مسیرهای کوچ هم بنویسید خوشحال می‌شویم. با سپاس، ن. ه.

ریگزار و چکاوک

چکاوک، پرندهٔ کوچک دشت‌های ریگزار، با پرهای قهوه‌ای و نوک باریک در میان علف‌های خشک لانه می‌سازد. این پرنده در ماه فروردین تخم می‌گذارد و نر و ماده به نوبت بر تخم‌ها می‌خوابند. صدای چکاوک را می‌توان در سحرگاه از فاصله‌ی یک فرسخ شنید. کشاورزان محلی باور دارند که چکاوک خبر باران را زودتر از هر پرنده‌ای می‌دهد.

آب‌انبار قدیمی و رهگذران گمشده

نام قنات‌های ریگزار از قرن‌ها پیش از روی آب‌انبارها و کاروان‌سراها برداشته شده است. در مسیر قنات قدیمی دست‌کم ۲۷ آب‌انبار ساخته شده بود که مسافران در روزهای گرم در سایه‌ی آن‌ها استراحت می‌کردند. امروز از این ۲۷ تا ۹ تا باقی مانده و بقیه یا پر شده‌اند یا زیر خاک رفته‌اند. گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان ریگزار امسال نقشه‌ی این آب‌انبارها را کشیده‌اند و نام هر یک را از پیرمردهای روستا پرسیده‌اند.

نامه‌های رسیده

سردبیر محترم ریگزار، من دانش‌آموز کلاس نهم هستم و هر بار که از کویر می‌گذریم پدرم برایم از روزهای جوانی‌اش در آن منطقه تعریف می‌کند. اگر شما هم چنین داستان‌هایی دارید، خواهش می‌کنم بنویسید. شاید چند نفر دیگر هم همین حس را داشته باشند. با احترام، فرهاد نیک‌سرشت، ده‌بالا

سردبیر، در شماره‌ی پیش نوشته‌ی خانم ر. صدر دربارهٔ کوچ ایلات را خواندم و بسیار لذت بردم. اگر ممکن است دربارهٔ مسیرهای کوچ هم بنویسید خوشحال می‌شویم. با سپاس، ن. ه.

ریگزار و چکاوک

چکاوک، پرندهٔ کوچک دشت‌های ریگزار، با پرهای قهوه‌ای و نوک باریک در میان علف‌های خشک لانه می‌سازد. این پرنده در ماه فروردین تخم می‌گذارد و نر و ماده به نوبت بر تخم‌ها می‌خوابند. صدای چکاوک را می‌توان در سحرگاه از فاصله‌ی یک فرسخ شنید. کشاورزان محلی باور دارند که چکاوک خبر باران را زودتر از هر پرنده‌ای می‌دهد.

آب‌انبار قدیمی و رهگذران گمشده

نام قنات‌های ریگزار از قرن‌ها پیش از روی آب‌انبارها و کاروان‌سراها برداشته شده است. در مسیر قنات قدیمی دست‌کم ۲۷ آب‌انبار ساخته شده بود که مسافران در روزهای گرم در سایه‌ی آن‌ها استراحت می‌کردند. امروز از این ۲۷ تا ۹ تا باقی مانده و بقیه یا پر شده‌اند یا زیر خاک رفته‌اند. گروهی از دانش‌آموزان دبیرستان ریگزار امسال نقشه‌ی این آب‌انبارها را کشیده‌اند و نام هر یک را از پیرمردهای روستا پرسیده‌اند. «چاه کنه» که ۳۷ – ۳۵ قدم از مسیر فاصله دارد، «آب‌انبار سه‌راهی» که نام قدیمی سه راهی کاروان‌رو است، «آب‌انبار شور» که آب تلخ دارد و مردم برای شستن از آن استفاده می‌کردند، و «آب‌انبار نو» که ۱۲۹۰ ساخته شده و هنوز پابرجاست. یکی از دانش‌آموزان، آقای هادی نیک‌سرشت، گفت پدربزرگش می‌گفت در زمستان یخ را از کویر می‌آوردند و در آب‌انبار می‌ریختند تا تابستان بفروشند. این داستان برای ما تازگی داشت و نشان می‌دهد که آب‌انبار فقط یک سازه نیست، بلکه جایی بوده که مردم در آن حرف می‌زده‌اند، خبر رد و بدل می‌کرده‌اند و گاه عروسی هم می‌کرده‌اند. یکی از پیرمردها گفته است که در آب‌انبار سه‌راهی یک عروسی بزرگ برگزار شده است

(1000) 20 [illegible] « ژوندون » د کرښې د ۵ مخ د ۲ د ۵ د ۱۶ د ۵ د ۵ د ۵